



سودا اگر اید دولت

تجارت و صنایع و معادن و راه‌های مواصلات

سوی تجار در مورد قرارداد دیده نشد. تنها در بین مخالفان قرارداد نام دو تن از تجار عمده و معتبر دیده می‌شود. از همین تجار پوشه‌ری وارثان کیخسرو در زمره مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ میلادی ایران و انگلستان نام برده شده است. دولت و تئو دوله بسیاری از مخالفان قرارداد را از تهران تبعید و یا زندانی کرد. همین تجار پوشه‌ری نیز در زمره همی افراد بود و به گلستان تبعید شد. از دیگر افرادی که به دلیل مخالفت با قرارداد مجازات شدند، آقامیرزا حسن خان محتشم السلطنه مرتضی قلی خان ممتازالملک، ممتاز الدوله و مستشار الدوله را می‌توان نام برد (خاطرات وحیده ص ۴۷). علی‌رغم تلاش نیز از نویسندگان مخالف قرارداد بود که به جرم نوشتن شایعه توقیف و به قزوین تبعید شد. وی خاطرات خود را در کتاب ایام محبس نوشته است (بهار، سال ۱۳۲۸، اسفند ۱۳۵۴).

تحولات بعد از جنگ جهانی اول، زمینه تغییرات سیاسی را فراهم کرد که تجار نیز با آن همراهی داشتند. ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، همچنین دولت متمرکز و قوی با اهداف و خواسته‌های تجار از آغاز جنبش مشروطه تا این زمان، همخوانی داشت. از این رو، تجار در دوران وزارت جنگ و رئیس الوزرای رضاخان، اعمال و رفتار وی را با خواسته‌های خود هم‌سو دیدند و از وی حمایت کردند. هر چند رضاخان برای استقرار حکومت متمرکز و نهادهای مدرن از شیوه‌های نظامی‌گری و خشونت بهره گرفت، ولی دستاوردهای او موجب امیدواری تجار در استقرار نظام سیاسی مطلوب‌تری شد و حتی برای تغییر سلطنت نیز از وی حمایت کردند.

دکتر سهیلا تواری فیروسانی

تجار از زمره گروه‌هایی هستند که در تحولات سیاسی تاریخ معاصر نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. حضور فعال آنان در جنبش مشروطیت، مشارکت فعال سیاسی در مجلس اول و تقاضا برای نهایی به قانون امنیت مالی و اجتماعی، راه ترقی تجارت، گسترش صنایع و حمایت دولت از فعالیتهای آنها از ویژگی‌های اساسی آنان در این مشارکت‌ها بود. اما به دلیل بحران‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی سال‌های پس از استقرار مشروطیت، این خواسته‌ها به بیخ منسب نیافت. در سال‌های پس از جنگ جهانی اول با تشدید بحران‌ها، زمینه‌هایی برای فعالیت مجدد آنان در جریان‌های سیاسی فراهم شد.

گودتای ۱۲۹۹ خورشیدی در پی تحولات مهمی به وقوع پیوست که در پایان جنگ جهانی اول رخ داد. انقلاب بلشویکی روسیه و در پی آن تله‌جسی رژیم سرود، جالبستی در این کشور تاثیرهای مهمی در سیاست جهانی گذارده انگلستان در پی خروج نیروهای نظامی روسیه از ایران به فعالیت‌های دیپلماتیسی خود برسر پر کردن جای خالی روس‌ها افزود و قرارداد ۱۹۱۹ میلادی محصول همین شرایط سیاسی بود. تبلیغات بلشویکی و خطر نفوذ آنان، ضرورت تحکیم سلطه هم‌جانبه انگلیسی‌ها در ایران را ایجاد کرد. انگلستان در پی ایجاد کمربندی استی بود که از مدیترانه تا پامیر را در بر می‌گرفت و ایران حلقه‌ای از این زنجیر بود. به زعم انگلیسی‌ها، بازار نزدیک کردن ایران به این زنجیره قرارداد ۱۹۱۹ میلادی بود.

نکته قابل توجهی که در این مقطع تاریخی می‌تواند پررنگ‌تر باشد، موضع و نظر مخالفین در مواجهه با قرارداد ۱۹۱۹ میلادی است. قرارداد مخالفان بسیاری داشت که از مخالفان قراردادی می‌توان به عنوان مثال از افراد ذیل نام برد: سیدحسن مدرس، حاج امام جمعه خوبی، مشیرالدوله پیرنیا، مستوفی‌الاملاک، ممتاز الدوله، محتشم السلطنه، محمدعلی فروغی، حسین علاء، مستشار الدوله، ممتازالملک، معین‌التجار، آریاب کیخسرو و شاهرخ، دکتر محمود افشار یزدی، میرزا یحیی دولت‌آبادی، عبدالله مستوفی، علی‌مشتی (جمال‌زاده)، ص ۱۸، ص ۱۵۷). اما در مورد تجار به طور قطع قرارداد نمی‌توانست مورد نظر و توافق آنان قرار گیرد. قرارداد مزبور به قدرت بیگانه امکان حضور فعال‌تری در ایران می‌داد و دست آنان را در امور کشور پلوسی گذارده. این مسئله با خواسته‌ها و منافع تجار مغایرت داشت. آنان از پیش از مشروطیت و سال‌های بعد از آن خواهان کاهش نفوذ قدرت و سرمایه‌های بیگانه‌گان بودند. با این حال واکنش گروهی و رسمی از

اختلاف‌هایی بروز کرد و زمینه سقوط دولت کودتا پس از سه ماه اندی فراهم شد. رضاخان در این مرحله توانست به عنوان وزیر جنگ در معادلات قدرت وارد شود. وی با نزدیک کردن خود به شاه و اعلام وفاداری به او حضور خود در کابینه‌های بعدی را حفظ کرد. رضاخان پس از تثبیت موقعیتش با انجام برنامه‌های معین به نیازهای افشار گوناگون جمله پامیخ داد، وی با آشنایی در ست از مسائل آن عصر و بهره‌گیری از راجل‌های عملی، نظرات بسیاری از گروه‌های سیاسی و اشرار جمله را به خود جلب کرد. به هر حال قدرت‌گیری تدریجی رضاخان و عملکرد وی واقعیتی ملموس بود که به سوی مسئله کودتا می‌توانست موافقت یا مخالفت گروه‌های اجتماعی را نسبت به او و اقدام‌هایش برانگیزد.

رضاخان در این مرحله سعی در جلب حمایت‌های مردمی داشت. وی سعی کرد خود را به فراکسیون اکثریت مجلس چهارم نزدیک کند و از اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه آنان طرفداری کرد و به تدریج با اقدام‌هایی که در ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی کرد، گروهی از نمایندگان به سمت او کشیده شدند. از طرف دیگر رضاخان توانست با مخالفت با استخدام صاحب‌منصبان سوندی برای سرپرستی کشور ایران، چهارم ملت‌گرایه و وطن‌پرستانه از خود نشان دهد. وی در مقابل پیشنهاد اعزام تعدادی دانش‌جوی نظام به خارج از کشور را به مجلس ارائه داد که به تصویب مجلس رسید. رضاخان علاوه بر جذب گروه‌هایی از روشنفکران اصلاح‌گرا و تجار برای جلب اعتماد علما و توده‌های عوام در مراسم عزاداری ایام محرم شرکت کرد. دسته قزاق‌ها در حالی که پیشاپیش آن‌ها رضاخان قرار داشت در این مراسم شرکت کردند (بهار، ۱۳۲۴: ۱۸۳۱).

رضاخان در پی استقرار حکومت متمرکز و نهادهای مدرن بود. وی برای دستیابی به این هدف‌ها از شیوه‌های نظامی‌گری و اعمال زور و خشونت نظام‌های خود کلمه بهره گرفت. اعمال مداخله‌گرانه وی در امور مالی و اختصاص بخش‌هایی از درآمد عمومی دولت و دیگر وزارت‌خانه‌ها به وزارت جنگ، بی‌توجهی به قانون و دستگیری و سرکوب روزنامه‌نگاران منتقد، بحران‌هایی را ایجاد کرد که به سقوط پیاپی دولت‌های پس از کودتا منجر شد. به عنوان مثال حسین صبا مدیر روزنامه «ستاره‌ایران» به دلیل انتقاد از سردار سیه دستگیر شد. مدیر روزنامه حیات جاوید مورد ضرب و شتم قرار گرفت. علت استعفای مشیرالدوله نیز امرال رضاخان در توقیف روزنامه حقیقت بود که به بعضی از نگران‌کننده‌ترین خود سرود استفاده می‌کردند. انتقاد کرده بود رضاخان از مشیرالدوله می‌خواهد یا روزنامه را توقیف کند یا از ورود وی به دربار جلوگیری می‌شود (بهار، ۱۳۲۴: ۹۷۱، ۹۷۲). زمینه برای تشکیل دولت رضاخانی فراهم شد. در این بین گروهی از نمایندگان طرفدار قانون اساسی به شیوه‌های خشن و خودکامانه رضاخان انتقاد کردند. آنان نگران از بین رفتن اساس مشروطیت و قانون اساسی بودند و این که بماند به گرفتن این اصول از قانون اساسی چیز افراطی بی‌محتوای بقا نخواهد ماند. «حلقه معتمدان تجار نماینده تیریز در جلسه ۱۱۰ میزان ۱۳۰۱ در مجلس چهارم حاکی از انتقاد به عملکردهای خشن و اعمالی است که زیر لوای حکومت نظامی صورت می‌گیرد. وی در پایان به شهادت می‌گردد. هیاتی از طرف مجلس تعیین شود و با هیات دولت وارد مذاکره شود. اما مدرس به دنبال سخن معتمدان تجار تأکید کرد که باید به صراحت سخن گفته و بی‌وضوح از رضاخان سخن گفت و از اقتدار مجلس که قادر به تغییر رئیس الوزرا بود. وی در همین آن که قدرت مجلس را یادآوری می‌کرد، به نمایندگی گل‌گوشه کرد که «چهارگانه است از میان بد و بدتر به فتنه‌ی ناگزیر دست بزند» (مذاکرات، ۱۳۲۰ و ۱۳۲۳: ۱۱۶۲، ۱۱۶۳). مدرس از سردمداران مخالف رضاخان نیز در مجلس گفت: «وزیر جنگ یک مجلسی دارد و یک مضاری، منافع و مضار را با هم بسنجیده و الا تغییر تو لغمت ندرت عقیده من درباره وزیر جنگ این است که منافع اساسی است و مضارش فرعی، باید سعی کرد که معایب او رفع و منافع او زیاد شود» (همان، ۱۱۶۳).

از قرار ظاهر، مدرس و نمایندگان طرفدار قانون اساسی و مشروطه همچون معتمدان تجار ضمن آن که از قلدرمایی رضاخان و نظامیان دانند بودند، نتیجه عملی اقدام‌های او را که به بسط امنیت در کشور بود، ضروری به حساب می‌آوردند و دفع رضاخان را در آن مرحله به صلاح نمی‌دانستند. گویان که چنین می‌پنداشتند مجلس هر گاه لازم باشد، قادر به عزل رضاخان خواهد بود. مدرس چنان کلام را چنین اظهار داشت: «اما امنیت امنیت در مملکت است. منتهای به دست کسی است که اغلب ما را از او خوشوقت نیستیم» (همان، ۱۱۶۳). این گفته‌ها روشن می‌سازد که حتی روشن‌اندیشی که قبل از دیگران خطر افزایش قدرت رضاخان و امکان بروز دیکتاتوری سیاسی را پیش‌بینی می‌کردند ناچار به پذیرش و مثبت دیدن اقدام‌های او در آن مرحله زمانی بودند.

رضاخان طی یک حرکت مشخص و حساب‌شده توانست بالاترین سطح قدرت سیاسی پس از شاه را به دست آورد. وی در دوران وزارت جنگ خود را فرماندهی توانا و نیرومند نشان داد که توانست امنیت را

به رغم تلاش‌های انگلستان تصویب قرارداد با موفقیت همراه بود. ایجاد دولتی متمرکز، بلایات و فساد در ایران که نتواند کمربند حفاظتی مغلیه با نفوذ بلشویکی‌ها را برقرار کند. سطح بعدی دولت انگلستان در ایران بود. طرح کودتا بسیار دقیق و با ظاهری پسندیده ریخته شد. ایجاد دولت متمرکز و قوی، خواست بسیاری از طبقات اجتماعی ایران و بخش وسیعی از نیروهای سیاسی و روشنفکری کشور بود. در واقع انگلستان با زیرکی طرح خود را منطبق بر تمایل‌های اقتدار اجتماعی ایران پایه‌ریزی کرد. ایجاد دولت جدید با تکیه بر ساختار کهنه و فرودپسندیده دولت ایران ممکن نبود. از این رو طرح کودتا توسط انگلیسی‌ها اجرا شد (عینی، ۱۳۷۸: ۱۸۶-۱۸۷). با توجه به فقدان اسناد و مدارک لازم به درستی نمی‌توان دریافت که تجار در مواجهه با کودتا چه واکنشی بروز دادند. تنها مطلبی که به دست آمده، مذاکره‌های مابین بانام‌جسی، معتمدان تجار و مهدی‌قلی حمایت در منزل حاج سعیدعلی لغته بود. در گفت‌وگو بیان شد با کودتا باید مخالفت کرده و همین طور «با قرارداد باید مخالفت کرده» ولی نکات مشخص‌تری از این گفت‌وگوها و نظر افراد حاضر در جلسه در دست نیست (آبند، ص ۱۹، ص ۱۹۶). همچنین به دستور سعیدضیاء طی چند روز اول کودتا تعدادی از افراد که در حدود شصت یا هفتاد نفر از اعیان و اشراف و سیاستمداران از جمله امین‌الضرب و معین‌التجار پوشه‌ری بودند، دستگیر شدند. آنان محکوم به پرداخت مالیاتی وجه برای اداره امور کشور شدند. ولی همگی آن‌ها از پرداخت آن امتناع کردند. اساسی برخی از آن‌ها بدین شرح بود: «قرمغفرما نصرت‌الدوله، عین‌الدوله، عبدالدوله، پام‌الدوله، حشمت‌الدوله، قوام‌الدوله و تئو الدوله، سید حسن مدرس، سیدمحمد ندیم، ملک‌شهرای بهار، سیدمحمد رضا مساوات و بسیاری افراد دیگر که علت دستگیری آن‌ها بیشتر نشان دادن قدرت جدید و گرفتن وجوه بود (نظام قدسی، ۱۳۲۹: ۲۲-۲۳، مکی، ۱۳۵۸: ۲۳۶). در هر حال کودتا وضعیتی بود که بر کشور تحمیل شد، اما مجموعه عواملی که در تثبیت و استقرار قدرت رضاخان و ادامه روند اصلاحات و نوگرایی دخیل بود، پاسخی بود که این واقعه به خواسته‌های طبقات اجتماعی کشور و از جمله تجار داد که در غیر این صورت ممکن بسیاری از طرح‌های قدرت‌های بیگانه در ایران با شکست مواجه می‌شد.

تجار و رضاخان سردار سیه دولت کودتا عصر چندی نیافت و با مخالفت گسترده شاه و دربار و نیروهای سیاسی مواجه شد. مابین سعیدضیاء و سردار سیه

دوره ۱۳۰۱

برقرار و قدرت دولت مرکزی را افزایش دهد همچنین نیروی نظامی واحد و متمرکز فرشت را بنا نهاد که ضمن حفظ امنیت و قدرت دولت بود وی پس از آن با هوشمندی سیاسی و راه معاملات قدرت شد و قتلش و گروه‌های اجتماعی صاحب نفوذی همچون تجار را به سمت خود کشاند چندی از گروه‌ها و طبقات اجتماعی و رشاخان را حتی منافع طبقاتی خود یافتند و قدرت سیاسی جدید متکی بر این گروه‌ها تشکیل شد که خواهان استقرار یک دولت متمرکز قوی بودند هیأت اتحادیه تجار مرکز موافقت و هم‌راهی خود با رشاخان را چند روز قبل از اعلام ریاست وزرای وی اعلام کرد آنان دلیل ارسال نامه و انتشار شایعه‌ها را ترسها و مخالفت‌ها با تشکیل کابینه رشاخان عنوان کردند و در نامه‌ای خطاب به وزیر جنگ چنین اظهار کردند (بسنده ش ۱)

حضرت اشرف در ترقیات طرح تجارت و توسعه اقتصاد مملکت و توازن مبادلات و واردات مملکت را به راه گذاری هاند و بهیچ وقت نتوانسته و تعلقه خود خارج شده در امور دیگری دخالت ناپایند اینک برای تثبیت همان مقصود و پسرای احترام از مشران که محتمل وقوع است محض تذکار به عرض می‌رساند سال هاست به واسطه نبودن یک هیأت دولت توانایی اهالی این مملکت گرفتار عدم امنیت شده سختی و فزاینده هولناک فقر و پریشانی آن‌ها را احاطه کرده منافع ثروت مملکت مقتولان و ایوای تجارت است خود گرفتار و زمامداران و متصدیان امور به طوری مرعوب و در تحت فشارهای داخلی و خارجی اسیر بودند از چندی به این طرف که زمام امور معظمه نظامی به کف کفایت حضرت اشرف عالی اشاره شد و به حمدالله موجبات ترقی و تعالی و امنیت در مملکت فراهم گردید توانایی و اقتدار و قابلیت حضرت اشرف عالی مشهور و منظور خاص و عام شد هر ذی حس و علاقه‌مند به این آب و خاک پاک ایران آرزومند شد که حضرت اشرف عالی یک روزی زمامداری حکومت را تقبل فرمایند مانند گان تجار هم از صمیم قلب دوام عظمت خواهند بود

هیأت اتحادیه تجار توسط تجار بزرگ هدایت و رهبری می‌شد نامه حمایت این گروه و دلایل آن‌ها در حمایت از وزیر جنگ کفایت خاص بود ولی مدارکی از واکنش تجار متوسط و خرد و تجار شهرستان‌ها به دست نیست معمولاً این گروه‌ها به جز در مواردی خاص در بیشتر موارد تجار بزرگ پیروی می‌کردند

تجار و کسب قدرت سیاسی رشاخان
زمینه‌های سیاسی به قدرت رسیدن رشاخان فراهم شد قوام سلطنت به پادشاه کشف توطئه‌های برای از بین بردن سر راه سپه به زمین افتاد و بعد راه تبعید شد مشیرالدوله بر اثر تهدیدهای وزیر جنگ از ریاست دولت استعفا داد و مستوفی‌الممالک حاضر به تشکیل دولت جدید نبود در چنین شرایط سیاسی رشاخان توانست مقام ریاست وزرای را به دست آورد. احمدشاه در ۱۶ ربیع الاول ۱۲۴۲ (۱۲۶۶ اکتبر ۱۹۲۳) پیش از افتتاح مجلس پنجم حکم ریاست وزرای رشاخان را صادر کرد (هدایه ۱۲۶۱: ۱۲۵۸-۲۵۸۸ مکی، ۱۲۵۸: ۴۱۳/۲-۴۱۴)

رشاخان در اولین بیانیه خود در دوران ریاست وزرای از بسط و نفوذ حکومت مرکزی و حفظ اصول مرکزیت امنیت و نابودی هرج و مرج و افشاشن‌های داخلی و اجرای قانون سخن گفته وی بر نقش اصلی خود و ایجاد امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی اعلام کرد و قانون را تضمینی برای ثبات سیاسی و امنیت کشور دانست (مستوفی، ۱۲۷۰: ۲۸۷-۲۸۶). تمامی این شعارها از اهداف مورد نظر تجار و مبتنی بر زمینه روحی عمومی مردم در آن دوران بر آشوب بود بازنای هم‌راهی تجار را می‌توان در چشمان دید که معین‌التجار بوشهری از تجار بزرگ و از فعالان جنبش مشروطیت به مناسبت نخست‌وزیری رشاخان در منزل خود بر گزار کرد و خطابه و اشعاری در وصف وی خواند (میلر، ۱۲۵۶: ۱۱۷۵)

دو مسئله جمهوری خواهی و سرکوب شیخ خزعل در تثبیت و استحکام بخشیدن به قدرت رشاخان بسیار موثر بود غالب منابع طرح مسئله جمهوری خواهی را در پی‌های برای امکان تغییر سلطنت دانستند طرح موضوع جمهوری خواهی در ایران پس از آخرین سفر احمدشاه به فرنگ صورت گرفت که مقارن لغای خلافت و تغییر رژیم سیاسی در ترکیه و تأسیس رژیم جمهوری در آن کشور بود هم‌زمانی این حوادث این فکر را در ذهن رشاخان و جناح هوادار وی ایجاد کرد که زمانی که انصری نظامی همچون مصطفی کمال پاشا به راحتی بتواند مسئله قبرتمندی را سرنگون کند و به عنوان رئیس جمهور اعلام‌العمر بر آنکه قدرت تکیه زند چرا این کار در ایران عملی نگردد (بهار، ۱۲۶۴: ۴۲۰/۴)

تلگراف‌هایی از سوی تسام طبقات اجتماعی در حمایت از جمهوری خواهی به مجلس و روزنامه‌ها مخابره شد آنچه از مجموعه

این تلگراف‌ها می‌توان دریافت این است که بیشتر این تلگراف‌ها به طور مستقیم از جانب اهالی مخابره نشده بود بلکه به عنوان گزارشی از جانب اهالی هر محل عنوان شده و در پایان برخی از آنها فرزحات فرماندهان نظامی مناطق تشکر شده است و این مسئله اعتبار این تلگراف‌ها را کاهش داده و این نکته را که تلگراف‌ها در تقویت موضع سیاسی رشاخان و تحت فشار فرماندهان نظامی مخابره شده باشند افزایش می‌دهد

البته سوازی تلگراف‌هایی که می‌توانست با فشار فرماندهان نظامی شهر هائرسال شده باشد به نظر می‌رسد تجار بزرگ در بحث با مسئله جمهوری مخالفتی نداشته‌اند به خصوص این که همین واقعه هر کشور همسایه که آنان با آن بسیار مرتبط بودند نیز رخ داده بود در پی‌های مکی که در ۱۱ شعبان ۱۲۴۴ (۱۷ مارس ۱۹۲۴) از سوی اتحادیه تجار تهران صادر شد به سبب حضور تجار و اصناف در جشن مشروطیت اشاره شد و این که آنان «چسوراه حکومت استبداد را مبدل به شوری و مشروطیت نمودند تجار در پیشه خود با دشمنان کردند یکی از اصول مشروطیت حفظ سلطنت در خانواده قاجار است ولی به دلیل آن که این خاندان از اقتدار خود سوءاستفاده کردند (بسنده ش ۲)

از سوی دیگر برخی منابع منتشر شده به مخالفت بازرگان و اصناف با مسئله جمهوری خواهی اشاره کرده‌اند که در هشتاد استناد کتب و پیش‌موران بازار در هم‌راهی با علما به مخالفت با جمهوری پرداختند و به نظر می‌رسد موضعی متفاوت از تجار بزرگ پایتخت بروز دادند عدم هم‌راهی اصناف بازار در بستن منازعات خود به نفع جمهوری خواهان وارد عمل شدن نظامیان در محاصره مسجدی که در داخل بازار قرار داشت و به نام ایستادن یکی از روحانیون مخالف در صحن بازار و ترغیب و تهییج بازرگان در تظاهراتی بر ضد جمهوری و تجمع در اطراف مجلس و فرستادن روسای اصناف برای مذاکره با نمایندگان مجلس و نوشتن عریضه بر ضد جمهوری همه حاکی از موضع روشن اصناف در مخالفت با جمهوری خواهی بود (مستوفی، ۱۳۲۰: ۵۹۵-۵۹۴ مکی، ۱۲۵۸: ۴۸۹-۴۸۶)

علت مخالفت اصناف و بازار تهران با مسئله جمهوری خواهی را می‌توان به این صورت تحلیل کرد یکی از دلایل این مسئله می‌توانست فشار نظامیان برای تعطیل کردن بازار باشد که موجب بروز واکنش از سوی اصناف شد دیگر آن که نزدیکی زمان عید و ضرر مادی بسته شدن بازار اصناف را به مخالفت وا داشت (مستوفی، ۱۳۲۰: ۵۹۵-۵۹۴) اما به نظر نمی‌رسد که اصناف با مفهوم جمهوری به درستی آشنا بودند (مکی، مستوفی، ۱۳۵۸: ۵۰۷) از آنجایی که لفظ جمهوری در این زمان برای علما شناخته شده نبود و از دوران پیش از مشروطیت با کفر و بی‌دینی مترادف و دارای بار منفی معنایی بود نمی‌توانست مورد تأیید علما قرار گیرد چرا که مفهومی ناشناخته بود و تصور می‌شد که در ترکیه به جا گذارده بود چنان‌که مورد تأیید علما نبود

شیخ محمد خالصی زاده که از روحانیان سیاسی تبعید شده از عراق بود از ناراضی ایجاد شده در بازار توسط نظامیان بهره گرفت و با تحریک و تهییج بازرگان، آنان را به اطراف مجلس کشاند پیش خیر سیاسی خوردن مدرسه، یک مسجد روحانی و نیز وجه ضد دین جنبش جمهوری خواهی (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۵۱/۴) زمینه‌های هیجان عمومی بر ضد جمهوری را فراهم کرد و روحانیان و اصناف جماعت محلی هر یک با دسته‌های محلی بر سیل مخالفان جمهوری افزودند درگیری نظامیان و مردمی که اطراف مجلس اجتماع کرده بودند و اعتراض و مشاجره رئیس مجلس با رشاخان وضعیت وی را تا حدی متزلزل ساخت (برای آگاهی‌های بیشتر ر. ک. بهار، ۱۲۶۴: ۴۴-۴۳ مستوفی، ۱۳۲۰: ۵۹۵-۵۹۴ مکی، ۱۲۵۸: ۴۸۹-۴۸۶) رشاخان برای جلب نظر علما و رفع نگرانی خود از وخالت بیشتر لروضع به قدرت و با علمای تبعیدی نجف در قم که قرار بود به زودی به عراق بازگردند به مذاکره پرداخت و در نتیجه این دیدار تلگرافی از سوی علما به امضای آقا جمال اسفهانلی، میرزا حسین نقیینی و شیخ عبدالکریم حائری در رفع غافله جمهوری خواهی و موافقت نخست‌وزیر در این زمینه به عموم طبقات مخابره شد هر چند که در متن تلگراف به خابش آشکاری از رشاخان به چشم نمی‌خورد ولی بر تردید این موضوع استعاری، برای وی فلسفاد می‌شده البته نقیینی حمایت‌های بیشتر خود از رشاخان را پس از بازگشت به عراق انجام داد و این امر بر موقع و اهمیت رشاخان افزود (حاجری، ۱۲۶۴: ۱۹۴-۱۸۹) رشاخان به علما قبول توقف خانه جمهوری‌پسند را دارد و طی بیانیه‌ای به وضوح از جمهوری خواهی اعلام انصراف کرد (مکی، ۱۲۵۸: ۵۲۱-۵۲۱) از آنجایی که از نظر رشاخان جمهوری خواهی یک راه‌پای سیاسی برای حذف قاجاریه بود عدم موفقیت وی در این راه به طور موقت دستبندی وی بر تمامیت قدرت سیاسی را به ترمیم نداشت یا اعلام انصراف رشاخان بسیاری از افراد و گروه‌هایی که پیش از این از جمهوری حمایت کرده بودند به تبعیت از رشاخان از جمهوری خواهی صرف نظر کردند خدای این نمونه می‌توان از تلگرافی از اسفهان به وزارت

داخله نام برد مبنی بر این که بر اساس مقتضیات از جمهوری خواهی صرف نظر کنند (بسنده ش ۲)

متزلزل شدن موقعیت رشاخان، مخالفت علما با جمهوری خواهی و عقب‌نشینی هواداران جمهوری را نیز از این مسئله منصرف کرد بدیهی است به دلیل مخالفت علما با این موضوع و پیشینه غیردینی آن و ماجرای بازار و تجار بزرگ نیز واکنشی نشان نداده و ترجیح دادند این مسئله را با سکوت بر گزار کنند تجار در ماجرای جمهوری خواهی بر موج حوادث سوار بودند و هیچ نوع فعالیت از خود بروز ندادند علما در ماجرای جمهوری خواهی نشان دادند که هنوز توانایی کشف توطئه‌های مردم به محتمل‌های اجتماعی را دارند آنان از مسئله مفارقت جمهوری بادی سخن گفتند که قطعاً می‌توانست کسبه جزء و پیش‌موران بازار را تهییج کند اما برای تجار بزرگی که با غرب‌اشناختی داشتند و اصناف رشاخان را به سود امور تجاری خود می‌یافتند نمی‌توانست موهب باشد تنها به دلیل محافظه‌کاری فلتی تجار، همراهی همیشگی آن‌ها با علما عدم پذیرش عمومی این امر و ایجاد جو هیجان عمومی که به انصراف رشاخان از این راه انجامید از آن منصرف شدند در هر حال طرح مسئله جمهوری خواهی بیشتر یک چنگال سیاسی برای آماده کردن افکار عمومی در تغییر سلطنت بود و به جز برآکنده گان آن، بسیاری از مردم به واقفیت مسئله آگاه نبودند

پس از ماجرای جمهوری خواهی فرگیری جناح‌های قدرت افزایش یافت احساس شد که در ماجرای جمهوری خواهی خطر از دست دادن تاج و تخت خود را در یافته بود می‌در بر کناری رشاخان از مقام ریاست وزرای داشت رشاخان به دنبال فرصتی برای تصاحب کامل قدرت و مجلس نیز به دو گروه تقسیم شده بودند اکثریت طرفدار رشاخان و اقلیت طرفدار احمدشاه که تغییر سلطنت را به صلاح کشور نمی‌دانستند پس از شکست در جریان جمهوری خواهی از کار استعفا و به ملک خود در بوهم عزیمت کرد (بهار، ۱۲۶۲: ۴۶۴/۲) کاره‌گیری رشاخان بیشتر به یک مقرر سیاسی ثابت دلشته وی با استفاده از ارتشی که سازمان جدید آن را خود پایه‌ریزی کرده بود موفق به کاندسازای لوی در سراسر کشور شد نظامیان پایگاه حمایتی خوبی برای وی محسوب می‌شدند روزنامه‌نگاران و کلای دادگستری، شاعران و نویسندگان، دیوانسالاران نوگرا و رهبران نظامی، در شخص رشاخان کسی را می‌دیدند که از کله تغییر و نو کردن جامعه عقب‌مانده ایران رادلفست و از او پشتیبانی کردند (کیان، ۱۹۹۸: ۶۹) بسیاری از رجال سیاسی، حتی مخالفان وی که او را به دلیل تندروی‌ها و خودسری‌هایش به شدت مورد انتقاد قرار می‌یافتند به دلیل شدت بحران سیاسی و ناتوانی نیروهای موجود سیاسی و بی‌وخت جایگزین مناسب نمی‌توانستند به حذف کفیل رشاخان رای دهند به این دلیل مجلس با اکثریت بیش از نود نفر دوباره به رشاخان رای اعتماد داد (بهار، ۱۲۶۲: ۶۸۸-۶۲۲) در مردادماه ۱۲۰۳ حورشدهی، اقلیت مجلس، مدرس، حائری زاده عراقی، کازرونی، اخگر، ملک‌الشعرا و حسن زحیم دولت و رشاخان را در موارد زیر استیضاح کردند (ضماکرات پنجم، ۱۲۵۸)

۱- سه سیاست نسبت به داخله و خارجه ۲- قوام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس ۳- تحویل نشان اموال مفسرین و غیره به خزانه دولت و بودجه وزارت جنگ

رفتار خشن و خصلت‌های نظامی گرانه رشاخان، دخالت در امور دیگر وزارت‌خانه‌ها و اعمال خشونت‌آمیز وی در سرکوب هشایر، جنبه‌های مستبدانه رفتار او در خاموش کردن مخالفان، توقیف روزنامه‌ها و از بین بردن آزادی و بی‌توجهی او به نظام پارلمانی و مشروطیت موجب شد که با وجود اقدامات مثبت وی در این زمان گروه‌هایی از سیاستمداران و آزادی‌خواهان، به قدرت رسیدن وی را خطری برای مشروطیت به حساب آوردند

حضور کازرونی از تجار حاضر در مجلس، در بین گروه اقلیت مجلس و استیضاح کننده سردار سه‌سره حضور یک فرد سیاسی در گروه حزبی خود بود و به طور قطع وی سخنگوی طبقه خود محسوب نمی‌شد استیضاح حاضر و شتم نمایندگان اقلیت و خروج آنان از مجلس مسکوت ماند اکثریت مجلس، دو فراکسیون تجدید و سوسیالیست و تعدادی از منفردین به دولت رشاخان رای اعتماد دادند (همان: ۳۰۸-۳۰۷)

حزبک پندی سردار سه‌سره که به فعال تر شدن و به میدان کشیدن تجار در حمایت از دولت وی متوجه شده مقرر سیاسی سرکوب حزلی و قیام سلطنت بود این مسئله که به طور مستقیم به حذف نیروهای گریز از مرکز و حفظ امنیت کشور مرتبط بود پس انتظار اصلی تجار از دولت دست گذاردن و به سبب تلگراف‌ها و حمایت‌های این طبقه از عملیات نظامی ریاست وزرا انجامید هر هنگام ورود رشاخان به مناطق جنوب تجار محلی از وی و همراهانش پذیرایی کردند و رشاخان به پاس قدرتی از خدمت حاج فراهم هم تاجر به وی لقب رئیس‌التجار اعطا کرد (حاج‌المتبین، ۱۳۲۰: ۱۲۵۷) رشاخان پس از



رفع غثاله شیخ خزعل که موفقیت سیاسی بزرگی برای وی به همراه داشت به دیدار قاضی و چند تن دیگر از علمای نجف رفت و در مورد بازگشت احتمالی سلطان احمدشاه با آنان مذاکره کرد. حمایت آقبیان بلخی و اسفندی از رضاخان، موجب تردیدی وی به حوزه نجف شد. رضاخان سعی کرد نظر مساعد آنان را به خود جلب کند. نهایتاً پس از به سلطنت رسیدن رضاخان تلگراف شادباشی برای وی مخابره کرد. جمعی از علمای اسفهان و شیراز از عملیات رضاخان در سرکوب متمرکبین و شرار قدرتمندی کردند (سندهای ش ۸). این مسائل وجهه مناسبی از رضاخان در بین مردم ایجاد کرد (خاوری ۱۳۶۴: ۱۲۴-۱۸۴).

تجار داخلی و خارج از کشور در این مرحله با حسن اطمینان بیشتری از رضاخان حمایت کردند. نزدیکی وی به علما برای تجار بزرگ و ترقی خواه کشور قوت قلبی بود تا با اطمینان بیشتری وارد صحنه سیاسی و حمایت از ریاست وزرا شوند. تجار ایرانی خارج از کشور مقیم بصره، نجف، کربلا و دیگر شهرهای عراق در هنگام ورود رضاخان به این شهرها از وی استقبال کردند (حبل المتین، ۲۳، ش ۱۵-۱۲، ۱۲). هنگام سرکوب خزعل، تلگرافهای تبریک و حمایت قشار مردم از جمله تجار از بیشتر شهرهای کشور به رضاخان مخابره شد. هیات تجار تبریز و هیات فلاحین و اصناف این شهر به خاطر پیروزی‌های به دست آمده به رضاخان تبریک گفتند. «گفته می‌شود حاج محمد حریری به نمایندگی از هیات تجار با نمایندگان دیگر گروهها و اصناف تلگرافها را مخابره کرده‌اند (همان جلد سال ۲۴ شعبان ۱۳۴۲/۲۰ مارس ۱۳۲۵، ش ۸ ص ۱۷)». تجار اهواز در تلگراف تبریک خود به رضاخان با ذکر اهمیت حکومت مبنی بر قانون و اصل مرکزیت از اصناف رضاخان در «چراغ اصلاحات اقتصادی و ارتقای امور تجاری که منشاء حیات مملکت است» پشتیبانی کردند. آنان در بیانیه خود، همه در جریان مخالفت‌آمیزی اظهار نگرانی کردند (همان: ۲۳، ش ۱۱-۱۰، ۱۲). در بیانیه تجار به ترقی کشور، امنیت، ارتش قوی، حکومت قانون و اصل مرکزیت اشاره شد که محور اصلی خواسته‌های تجار بود و دولت رضاخان توانسته بود به آنان پاسخ دهنده و یا اقبال خود را در مسیر تحقق آن نشان دهد. تجار این باور خود را که رضاخان می‌تواند به «اصلاحات اقتصادی و ارتقای امور تجاری» کمک کند به طور مشخص یا حمایت از نشان دادند.

تجار تهران به همراه روسای اصناف در مجلس شورای ملی حضور یافتند و با ریاست مجلس ملاقات کردند. برخی از تجار بیانات مفصلی ابراز کردند و رضایت خود را از اقدام‌های دولت رضاخان اعلام نمودند. آنان امنیت به وجود آمده را برای تجار بسیار حیاتی دانستند و خواهان متوقف شدن هر نوع مخالفت بر ضد رضاخان و دولت وی شدند (همان: ۶). هیات اصناف نیز تلگراف حمایتی از رضاخان به حکومت و جراید ارسال کرد (سند ش ۹). رضاخان در این مرحله موفق شد ریاست علیه کل قوای دفاعی و امنیتی کشور را به دست آورد و مرحله بعدی طرح تغییر سلطنت و تقراض قاجار به پدید آمد.

احمدشاه تصمیم گرفت به کشور بازگردد. حوادث و تحریک‌هایی زمینه بروز مخالفت‌های عمومی بر ضد سلطنت قاجار را فراهم کرد. بروز بلای نان در تهران، توقیف سرداران شاه و درباریان و مخالفتان دولت در تهران و شهرستان‌های همجوار، شاه را برای بازگشت به ایران دچار تردید کرد (مکی، ۱۳۵۸: ۲۷۵-۲۷۰). نسخه مخالفت با سلطنت قاجار و خلع احمدشاه از تبریز آغاز شد. به دنبال آن اعلامیه‌ای از سوی اتحادیه تجار مرکز صادر شد که از اهمیت خاصی برخوردار بود. در این مرحله فعالیت تجار و حضور آنان در صحنه سیاسی کشور پداور حضور فعال آنان در جنبش مشروطیت بود و بیاتنگر این نکته که تجار تحقق خواسته‌های خود را در استقرار حاکمیت جدید جست‌وجو می‌کردند. در متن اعلامیه تجار مرکز چنین آمده است (سند ش ۱۰):

«ما تجار که سال‌ها گرفتار جنگال ظلم و استبداد و اثر لاجیدی یک عنصر نالایی که بدون استحقاق تاج و تخت مملکت ما را غاصبانه منصرف بوده و هرج و مرج و اصول ملوک‌طوایفی را در استیفاء مملکت رواج داده به اعتبار و ثروت فاطمه تجار ضربه‌های مهلک وارد ساخته زندگانی خود را بخلافان راه تهدید می‌کردند و بالاخره بر آن شدیدیم که با برادران غیر آری‌ایجان که در همه مواقع و موارد برای سلبت و سلبت مملکت پیشقدم بوده و در این موقع نیز که تشخیص علت و مرضی را داده و تصمیم گرفته‌اند که به همت بر دهنده این لانه فتنه و فساد و آشوبانه ظلم و استبداد را متلاشی سازند هم عهد و پیمان او شده و چاره منحصر به فرد آن را دانسته که به ذیل همت و قوت پیکانه فرزند دلیر مملکت حضرت آقای پهلوی توسل جستند تا مصلحت مصلحت‌آمیز این است که به عموم تجار مملکت محروسه و افراد غیر آزادی‌خواه تحسین و مقصود خود را اطلاع و آن قنوت محترمه را به مشرکت در این نیت دعوت می‌نماییم. بدیهی است عموم افراد ملت برای برافراختن رژیم سابق و فروریختن این لانه فساد با ما شرکت جستند در تأسیس مجلس موسسان و تعیین حضرت آقای پهلوی به سلطنت قتلخی سرما اقدام

عاجل نموده»

تجار بزرگ تهران که اساسی آن‌ها در ذیل اعلامیه منتشر شده است. نظر خود را به تملک اتحادیه‌های تجار ایالات و ولایات مخابره کردند و از آن‌ها خواستند برای «خانه به باین بهران و بلاتکلیفی» در این راه کوشا باشند. اتحادیه اصناف تهران نیز طی تلگرافی از تغییر سلطنت حمایت کرد (امیر طهماسب، ۱۳۵۵: ۱۱۷-۱۱۵).

از هفته قبل از رای‌گیری تلمی مجلس در مورد تغییر سلطنت از آن‌ها بایجان و دیگر شهرها تلگرافهایی در لزوم تقراض قاجار به و به قدرت رسیدن رضاخان به تهران مخابره شد. این تلگرافها از شهرهای تبریز، صیرجان، شیراز، قزوین، همدان، یزد، محمدرضا، قزوین، خرم‌آباد، بندر پهلوی، رشته ساری، تبریز چند اشرفه مشهد، تربت و کرمان به حمایت از رضاخان فرستاده شد (همان: ۷۶-۵۷ و ۱۰۱-۱۰۰). همچنین در مورد تلگراف شهرهای مختلف در مورد تقراض قاجار به ر. ک. الهموم، ۱۶۸۰، (س. م. م.) این تلگرافها می‌توانست بر اثر اعمال نفوذ فرمانداران نظامی فرستاده شده باشد که پیش از حکام قدرت را در ایالات در دست داشتند. و این حال در بیشتر آن‌ها به ایجاد امنیت توسط رضاخان اشاره شده است. در تلگراف قزوین با ذکر شدن راه خوزستان و باب تجارت منطقه ذکر شده و رضاخان را ناجی ایران نامیده‌اند. از جانب تجار یزد و تبریز نیز تلگراف‌های حمایت مخابره شد و به همین مسائل اشاره گردیده است (همان جا).

در تهران اجتماع در مدرسه نظام برپا شد و مرکز بی به نام کمپین مختلف نهضت ملی آنرا بایجان به وجود آمد که امور آن توسط حاج رحیم تاجر فروتنی اداره می‌شد. این مرکز فعالیت‌هایی در زمینه انتشار شبنامه و مراجعه‌هایی به مجلس به منظور خلع قاجار به انجام می‌داد و برخی از روحانیون و تجار یا آنان همکاران داشتند. تجمع تجار در منزل فین‌الضرب و تجمع در مدرسه نظام و کاخ ریاست وزرا از دیگر اقدام‌های تجار برای تغییرات سیاسی در کشور بود (امیر طهماسب، ۱۳۵۵: ۲۱۵-۲۱۲). هر چند برخی مورخان از جمله ملک‌الشعرا، چهار بنا به قول یک شاهد عینی تجویح در منزل ریاست وزرا را فریبی از سوی معین‌التجار دانسته که تجار را بدون میل باطنی و به بهانه مذاکره در امور اقتصادی نزد رضاخان برده‌اند و در جلسه در حضور رضاخان، فقیه‌التجار و سیدمحمد اسلامبولچی بدون آگاهی از نظر دیگر تجار اعلام می‌کنند تا تغییر رژیم سیاسی در آن محل متعین خواهند شد (بهار، ۱۳۴۲: ۲۳۵-۲۳۲). ولی این که معین‌التجار توانسته باشد در حدود چهل تن از تجار مهم پایتخت را با طرح این مسئله که برای مشورت در مورد یک موضوع مهم اقتصادی باید به نزد نخست وزیر رفت به آن محل کشانده باشد و نظری مخالف‌رای آن‌ها مطرح کرده باشد بسیار بعید و دور از ذهن به نظر می‌رسد. هر چند این امکان وجود دارد که حضور تجاری چون علی‌اکبر اخوان و تاجر کاشانی که به گفته خود نویسنده در امور سیاسی مطلقاً شرکت نمی‌کردند می‌توانست به ترغیب معین‌التجار صورت گرفته باشد ولی هیچ کدام از این مواد نمی‌تواند شایسته‌ای در همراهی تجار با تحول سیاسی جدید ایجاد کند. تجار بزرگی چون معین‌التجار و بوشهری، فقیه‌التجار و حاج رحیم آقا فروتنی وجود داشتند که در این زمینه فعالیت‌ها شرکت داشتند.

همراهی تجار با تغییر رژیم سیاسی با توجه به اقدام‌های رضاخان و خواسته‌های آنان کاملاً مشخص است. حفظ امنیت و سرکوب شورش‌ها و طغیان‌ها در گوشه و کنار کشور، شوشه کردن راه‌ها، نظام اجباری و طرح تأسیس راه‌آهن، تصویب قوانینی در جهت خواسته‌های تجار که از دوران جنبش مشروطیت تا آن زمان به دنبال تحقق آن بودند، برقراری نیت سیاسی و تعزیت دولت مرکزی و اجرای قوانین حمایتی از تجار در مقابل سرمایه‌های بیگانه و به خصوص معیشت مجلس پنجم که بسیاری از تقاضاهای تجار را پاسخ داد. از جمله طرح تأسیس بانک ملی، قانون نظارت بر معاملات ارزی برای تنظیم داد و ستد پولی کشور و قانون انحصار تجارت خارجی و منع ورود اشیای تجلی که زمینه‌های آن در دوره پنجم مجلس فراهم گشت و بر آوردن بسیاری از خواسته‌های تجار که پیش از این به تفصیل در مورد آن سخن گفته شد. موجب گشت که اقدام‌های رضاخان نویدی برای آینده محسوب شود و این امید موجب حمایت تجار از روی کار آمدن رضاخان گردید.

خصلت‌های حقیقی شخصیت رضاخان که مهم‌ترین آن قدرتی، خشونت، گرایش‌های خود کلمه و عدم توجه به نظام مشروطه که دست‌نورد سال‌ها تلاش مشروطه‌خواهان بود، می‌توانست بر بی‌بخشی از روش‌سنجگران و آزادخواهان نیزین هشدار دهنده باشد و به عنوان خطری برای آینده کشور محسوب شود. همین‌اسر افرادی چون مدریس، مصدق، تقی‌زاده، علاء و دولت‌آبادی را بر این داشت که عمل تغییر سلطنت را غیر قانونی بدانند و به عنوان احتمال جایگزینی دیکتاتوری جدید به آن به

مخالفت پردازند. (مکی، ۱۳۵۷: بهار، ۱۳۴۲: ۲۲۰-۲۶۵). این نکته را باید یادآور شد که حساسیت‌هایی چون استبداد یا آزادی مسئله اساسی و جهانی روشنفکران و سیاستمداران آزادیخواه آن دوران بود و دیکتاتوری رضاخان به هیچ وجه برای آنان پذیرفته نشده بود. چون تملک هستی و هویت آن‌ها را به مبارزه می‌طلبید. اما برای تجار طرح‌های قانونی جهت بهبود امر تجارت ایجاد امنیت مرکزیت دولت و قیات و سلمان سیاسی و خاتمه یافتن بحران‌های سیاسی کشور که می‌توانست فضای امن و آرام فعالیت‌های تجاری آنان را فراهم کند. در درجه نخست اهمیت قرار داشت. همان‌طور که رضایت نودهای مردم نیز در بهبود اموری چون آتوقه، نان، بهداشت و امنیت عمومی می‌توانست فراهم گردد.

دولت قاجار به برخلاف تملک حکومت‌های ایلی و سبندی در ایران که با شمشیر، خونریزی و خشونت سرنگون شدند یا شیوه نوین حاکم بر دولت‌های مدرن و با استفاده از نهادهای مدرن از قدرت برکنار شد و مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت تقراض سلطنت قاجار به را اعلام نموده در ابتدا حکومت موقتی در حدوده قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور به رضاخان پهلوی واگذار شد و پس از آن با تشکیل مجلس موسسان در ۱۵ آذر ۱۳۰۲ خورشیدی موادی از متمم قانون اساسی تغییر و سلطنت رضاخان اعلام شد. برای آگاهی بیشتر از مخالفان و موافقان تغییر سلطنت و تشکیل مجلس موسسان به ر. ک. مذاکرات پنجم، ۱۶۴۰-۱۳۴۲، مکی، ۱۳۵۸: ۵۸۶-۴۹۶ پس از اعلام سلطنت پهلوی از گوشه و کنار کشور تلگراف‌های شادباشی و تبریک به شاه جدید مخابره شد. گزارش‌هایی از شهرها در برگزاری جشن و حضور تجار و اصناف و اقبال مختلف در ابراز خوشحالی از تغییر سلطنت و خوفین خطبه به نام پهلوی مخابره شد (سند‌های ش ۱۱). همچنین نامه‌هایی از حکام ایالات مبنی بر خواندن خطبه سلطنت و برگزاری جشن در حضور علمای تجار و اصناف و چراغانی بازار و کز و کرا و ادا دعای دولتی به مرکز مخابره شد (سند‌های ش ۱۲). مراسم جشنی نیز به مناسبت بناجنگلاری رضاشاه در مرکز اتحادیه تجار برگزار شد و از عموم برای شرکت در این مراسم دعوت شد. بدین ترتیب جشنها از جدیدی در مقابل تجار، اصناف و بازاریان کشور ایجاد شد و آنان را با مسائل جدیدتری مواجه کرد.

فراجم سخن

درواقع در این برهه تاریخی، تجار در انتخاب تاریخی خود مردمسالاری، آزادی و مشروطیت را برای دستیابی به اهداف اساسی‌تر خود قربانی کردند. جنبش مشروطیت ایران به دنبال دستیابی به سه مؤلفه اساسی مردمسالاری، نهادهای مدرن و حکومت متمرکز بوده اما عدم موفقیت این جنبش در بر داشتن موانع داخلی و خارجی موجب بی‌ثباتی و بحران سیاسی و آشفتگی اجتماعی شد. مشروطیت توانست استقرار نظام پارلمانی و نهادهای مدرن را به رغم فراز و نشیب‌های بسیار مستقر کند تا حدودی برای استقرار مردمسالاری مبارزه کند و حضور مردم در انتخابات و شکستن قدرت مطلقه سیاسی رایه انجام رساند. دولت رضاخان طیبه استقرار نهادهای مدرن و حکومت متمرکز را آشکار ساخت. بسیاری از روشنفکران و مخالفان وی در حاکمیت وی ظهور نوعی دیکتاتوری سیاسی را پیش‌بینی کردند و تجار در این شرایط بحران‌زده که عملاً تجارت مختل شده بود و کل موفقیت طبقاتی آن‌ها در خطر بود بر سر مردمسالاری دست به مصالحه زدند تا به مسائل عینی‌تری دست یابند که برای نجاتشان ضروری بود. به خصوص این که از مردمسالاری لایزال مشروطیت نیز دل خوشی نداشتند. تجار برای دستیابی به همه مواردی که تجارت و گردش سرمایه را ممکن می‌ساخت مردمسالاری را اقبال می‌کردند تا نخست به نهادهای مدرن دست یابند. فارغ از آن که این وضعیت تا چند سال اولیه دولت پهلوی کارساز بود و استقرار نظام دیکتاتوری پس از محکم کردن پایه‌های سلطنت و قدرت خود به حدی در تمرکز دولتی و انحصارهای دولتی پیشروی کرد که امکان فعالیت آزاد و پرورش خلاقیت‌های لازم در بیشتر موارد را از تجار گرفت. بدیهی است روشن شدن چنین مسائل و مشکلات تجار پس از استقرار نظام دیکتاتوری پهلوی زمینه‌بررسی دیگری را می‌طلبید.

منابع در دفتر مجله موجود است

درباره نویسنده

سهیلا قربانی فارسانی دکترای تاریخ در حوزه ایران معاصر از دانشگاه شهید بهشتی دارد و اکنون مشغول تدریس در دانشگاه آزاد نجف آباد است. او مجموعه‌ای از مقالات پروانده آبراهامیان را با نام مقالات در جامعه‌شناسی سیاسی ایران (شیرازه) ترجمه کرده است. علاوه بر این کتاب او «اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی» را با همکاری سازمان اسناد ملی منتشر کرده است. به تازگی هم نشر تاریخ ایران کتابی از او با نام «تجار، مشروطیت و دولت مدرن» منتشر کرده است. این کتاب تلاش‌های تجار و طبقه بورژوازی ایرانی در جهت استقرار نهاد‌های مدرن، مردمسالاری و بنیانگذاری حکومت متمرکز قانونمند را بررسی می‌کند و روایتی از کتاب جامعه‌شناسی سیاسی است و دوره تاریخی دوران پیش از مشروطیت تا اوایل دوران پهلوی را در بر می‌گیرد. فارسانی مجموعه مقالاتی از احمد اشرف را هم ترجمه کرده است که به زودی توسط نشر شیراز چاپ خواهد شد.

